

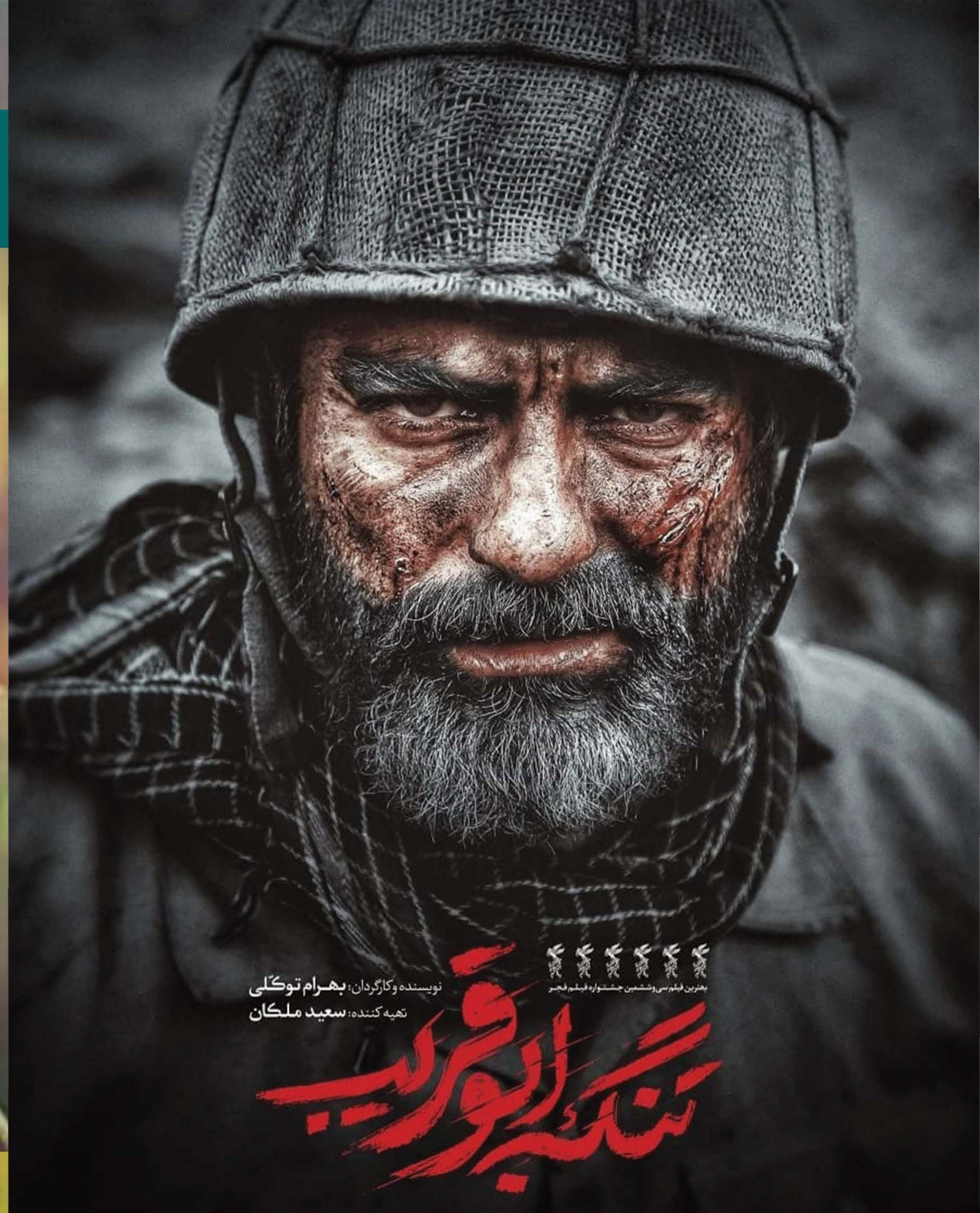
تلاشگر

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه سمنان شماره ۸۴ مهر ماه ۹۷



اسلام؛
اسلام

ایمان بدون عدالت رابه رسمیت نمی شیناسد
ایمان بدون عدالت رابه رسمیت نمی شیناسد



نویسنده و کارگردان: بهرام توکلی
تهیه کننده: سعید ملکان

بهترین فیلم سی و ششمین جشنواره فیلم فجر
نویسنده و کارگردان: بهرام توکلی
تهیه کننده: سعید ملکان

تلاشگر

دوشنبه ۱۶ مهر ماه ساعت ۱۸ تالار امیرکبیر

نابسامانی‌های دیگر

است موقعیت زنان و شرایط مردم نقاط دورافتاده و وضعیت کشاورزان بیشتر کشورهای اسلامی.

چند پیشنهاد

اکنون، در پایان سخن و پس از برشمردن دردها و مشکلات، پیشنهادهای ذیل را به کنفرانس محترم تقدیم می‌دارم:

۱. توصیه به همه علمای دین در جهان اسلام و به همه مؤمنان و کسانی که آرزوی تحقق یافتن هدف‌های اسلامی را دارند، که به مقتضای اوضاع کشورشان، از محرومان و ستم‌دیدگان پشتیبانی کنند و دفاع از مسائل آنان را سرلوحه کارهای خود قرار دهند و برای تحقق عدالت مبارزه کنند، هرچند که نیاز به تاوان سنگین و فداکاری‌های بزرگ باشد.

۲. درخواست از دولت‌های حاکم بر جهان اسلام که اکنون که استقلال یافته‌اند این مرحله از تاریخ خود را مرحله سازندگی داخلی بدانند و با اجرای طرح‌های گوناگون، نیک‌بختی محرومان را فراهم آورند.

۳. درخواست از دولت‌هایی که در همایش عمومی کشورهای اسلامی گرد هم می‌آیند که، با ایجاد طرح‌هایی، به توسعه مناطق و طبقات محروم و تنظیم قوانینی برای بهبود شرایط کارگران، متخصصان و مهاجران مقیم بپردازند. همچنین باید قوانین ویژه‌ای در امور گمرک و صادرات و واردات تنظیم کرد، به گونه‌ای که به برقراری هرچه کامل‌تر عدالت می‌ان ملت‌های اسلامی منجر شود.

۴. اجرای پژوهش دقیق و همه‌جانبه‌ای در مورد عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام و اهمیت و جایگاه آن در دین، سپس ترویج آن از طریق رسانه‌های جمعی و کتب درسی، به‌ویژه در دانشگاه‌های ذی‌ربط از حیث مسائل اجتماعی و در مدارس دینی.

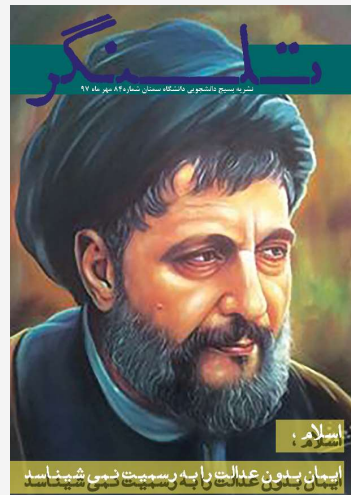
هرگاه به بررسی اوضاع امت اسلام ادامه دهیم، به مسائل دهشت‌آوری برمی‌خوریم، چرا که دولت‌های اسلامی با دیگر ملت‌های مسلمان نه‌تن‌ها مانند ملت‌های بیگانه رفتار می‌کنند، بلکه در برخی از موارد رفتار سختگیرانه‌تری دارند. گمرک‌هایی که بر کالاها و فراورده‌های صادراتی وضع شده، محدودیت‌هایی که نسبت به کارگران اعمال می‌شود و بهره‌مند نبودن کارگران مسلمان از حقوق مورد نظر در بیشتر کشورهای اسلامی، و شرایط دشواری که کارشناسان مس-لمان مهاجرت کرده به دیگر کشورها دارند و در معرض اهانت و منت‌گذاری و آزار قرار گرفتن آنان و تأثیر تیرگی روابط رهبران بر روابط می‌ان ملت‌ها، مخصوصاً گروه‌های زحمت‌کش همه این‌ها دردناک و ناشی از نبود عدالت در زندگی امروز مردم مسلمان است. برای تکمیل تصویر حقیقی از واقعیت زندگی جامعه مسلمان و وضع عدالت در آن، از پرداختن به نمونه‌های دیگر ناگزیریم.

جوانان مسلمان در شرایط نابسامانی به سر می‌برند. آنان از يك سو نگران آینده‌اند، و از سوی دیگر، به علت فقدان نظارت دقیق تربیتی و اسلامی، در معرض انحرافات قرار دارند. همچنین



مطمئن باشیم در هر شغلی که هستیم اگر ذره‌ای عدم خلوص در ما باشد، امروز سقوط نکنیم، فردا سقوط می‌کنیم. فردا نباشد پس فردا سقوط می‌کنیم؛ چون انقلاب هر زمان يك موج می‌زند يك مشت زباله را بیرون می‌ریزد.

معلم شهید دکتر عبدالحمید دیاله



فهرست

سخنرانی امام موسی صدر در نهمین همایش اندیشه اسلامی «ملتقی الفكر الاسلامی» که در تلمسان (یکی از شهرهای الجزایر) در تاریخ ۲۶ ژوئیه ۱۹۷۵ مطابق با ۱۷ تیر ۱۳۵۴ برگزار شد. این همایش همه‌ساله در کشور الجزایر و با شرکت دانشمندان برجسته اسلامی در رشته‌های فقه، تاریخ، اقتصاد، فلسفه، هنر و ادب برگزار می‌شود. از جمله دانشمندان سرشناسی که در این همایش شرکت کرده‌اند، می‌توان از شیخ محمد ابوزهره از الازهر، معروف دوالیبی رئیس مجلس اسلامی الجزایر، شیخ محمد غزالی از استادان الازهر و دکتر عمر فروخ عضو همایش نهم نام برد.

راه های ارتباط با ما



@semuni_basij

talangorbasij@chmail.ir

انقلاب اسلامی خواستگاه در قلوب مردم دارد...

مطالبات هر جامعه، برآیند تجربیات تاریخی، استعدادها و امکانات اجتماعی و طرز تلقی و رویکرد آن نسبت به حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ است. بنابر این هنگامی که يك جامعه نفی استبداد و استعمار را به عنوان وجه سلبی، و تاسیس عدالتخواه و اجرای قوانین اسلام را به عنوان وجه اثباتی مطالبات خود اعلام می‌کند نمی‌توان براین انتخابش خورده گرفت و سرزنش کرد، که چرا نظام سیاسی و حقوقی دیگری برای چاره مشکلاتش برنگزید.

جامعه‌شناسی تفهیمی، توجه به عمل نیت‌مندانه را وظیفه‌ی پژوهشگر جامعه و تاریخ می‌داند و براین است که درك وارزیابی خواسته و عمل جامعه بدون قرار گرفتن در جایگاه آن جامعه میسر نیست. گزینه‌ی سیاسی جامعه، ریشه در پیشینه‌ی تاریخی آن جامعه دارد.

ملت‌ی که به هر دلیل آیینی را به عنوان کامل‌ترین برنامه زندگی فردی و اجتماعی خود برگزیده و آن را بخش مهمی از هویت خود می‌داند و به همین دلیل آن را به عنوان هدف نهضت اعلام کرده و اجرایش را می‌خواهد، نمی‌توان خورده گرفت.

از نظر قوانی علمی به ویژه اصول علم جامعه‌شناسی، چنین گزینه‌ای برای جامعه ایران امری طبیعی است و یا اگر غیر از این بود و یا بشود، باید سوال برانگیز باشد.

اگر نظامی بر دوش مردم و بر پایه‌ی اعتقادات و احساسات و خواست و اراده‌ی آنها نبود، این بنا ماندنی نیست. این، یکی از اصول ما بود و دایما این مطلب تکرار شد.

اصل دیگر این بود که تحمیل يك فکر و عقیده و نظم اجتماعی بر مردم، کار موفقی نیست. مخصوصاً آن وقتی که این فکر و عقیده، با دین و عقیده‌ی دینی مردم منافات و مخالفت داشته باشد. این، جزو اصول فکری و اسلامی ماست. آنچه که بالاخره باقی می‌ماند، اعتقاد قلبی و دینی مردم است.

به همین دلیل است که معتقدیم جمهوری اسلامی همان نظام خواسته شده‌ی مردم است که قلباً و اعتقاداً مردم به آن پیوسته و خواستار آن هستند. مردم اصلند. هر نظامی که بر پایه‌ی میل و اعتقاد مردم نباشد، مجبور می‌شود عقب‌نشینی کند.

ثروت‌های طبیعی و افزایش بهای مواد خام در این کشورها بوده است. بالطبع، چنین فرایندی به فقیرتر شدن ملت‌ها و ثروت‌اندوزی دسته دیگر می‌انجامد.

این همه نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی و واقعیت‌های تلخ و دردناک به روشنی در برابر چشم همگان نمایان شده است، بدون آنکه هیچ‌گونه توجیهی برای تأخیر در تطبیق و اجرای عدالت در میان این ملت‌های منتسب به امت واحد، وجود داشته باشد.

کشورهای ثروتمند عرب در کمک به بودجه نظامی کشورهای درگیر با اسرائیل سهمی داشته‌اند، ولی این کمک‌ها به اندازه يك دهم منافی که جنگ برایشان فراهم آورده نبوده است. علاوه بر این، سهم بودن کشورهای ثروتمند عرب در جنگ با اسرائیل، ضرورت همکاری و کمک به ملت‌های مسلمانی راژ که با فقر و گرسنگی و عقب‌ماندگی دست به گریبان‌اند، منتفی نمی‌کند. برای تحقق عدالت تنها کمک و بخشش کافی نیست، بلکه وام‌های بدون بهره ارتقای سطح زندگی ملت‌های فقیر را از طریق اجرای طرح‌های توسعه ممکن می‌سازد.

اسلام دادن وام بدون بهره را تشویق کرده و يك درهم قرض را از نظر پاداش الهی برتر از يك درهم صدقه دانسته است.

دین و مؤسسه‌های دینی و علمای دین، مخصوصاً از آن دسته از علمای دین که در برابر بیدادگری‌ها سکوت می‌کنند و برای احقاق حقوق مردم زیر ستم مبارزه نمی‌کنند، شده است. خلاصه سخن اینکه این جدایی در گوشه‌هایی که به منظور تحقق عدالت در جوامع اسلامی صورت می‌گیرد، نابسامانی‌هایی به وجود آورده و مشکلات اجتماعی و سیاسی و اعتقادی بسیاری به جای گذاشته است.

هرگاه عدالت، در برخی جوامع، به صورت جزئی و جدا از قاعده و زیربنای اعتقادی-اسلامی تحقق یابد، مشکلات بزرگ‌تری به جای می‌گذارد. زیرا این نوع عدالت موجبات متعارف و فرهنگی خود را همراه می‌آورد و شکل خاصی از مصرف را به جامعه تحمیل می‌کند و، در نتیجه، شیوه‌ای تازه از زندگی را در پیش‌روی انسان می‌نهد که او را به گمراهی می‌کشاند.

مسئولیت بزرگ

مسئولیت علمای دین در این زمینه بسیار بزرگ و دقیق و فوری است. زیرا آنان در راه خدمت به اسلام و مسلمانان، به‌ویژه محرومان و ستم‌دیدگان، امین مردم‌اند و تنها آنان‌اند که می‌توانند از مبارزه و پیکار محرومان و ستم‌دیدگان در داخل جامعه‌های اسلامی تصویر درستی به دست دهند و شائبه تندروی و الحاد را از آن بزدايند و به‌ویژه از خدشه‌دار شدن تلاش‌هایی که برای احقاق حقوق صورت می‌گیرد، جلوگیری کنند. زیرا که ستمگران و غاصبان حقوق ملت‌ها به متهم کردن این جنبش‌ها به الحاد یا طائفه‌گرایی عادت کرده‌اند و بهترین راه حل برای این سلاح ویرانگر پشتیبانی علمای دین از جنبش‌ها و حمایت از آنهاست.

اختلاف طبقاتی

مسلمانان امروز نه تنها تصور درستی از عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام و خطرهای ناشی از آن--از جمله گسست و فقدان دورنمای همه‌جانبه عدالت--ندارند، بلکه واقعیت اجرا نشدن عدالت اقتصادی و اجتماعی، جز در موارد نادر و کمیاب، به‌خوبی نمایان است.

شمار آنان که در جامعه اسلامی از زندگی شرافتمندانه و از عدالت محروم‌اند رو به فزونی است و احساس محرومیت آنان بر اثر ریخت و پاش‌ها و تظاهر به ثروتمندی و رفاه، عمق بیشتر می‌یابد.

شرایط زیستی مسلمانان در کشورهای مختلف به گونه‌ای است که به تفاوت ژرف در سطوح زندگی منجر شده است. این امر ناشی از پیدایش

اسلام و عدالت

۱. اصول بنیادی عدالت اجتماعی در ایدئولوژی

الف. عدالت در اسلام، در همه زمینه‌ها، به‌ویژه در زمینه اجتماعی و اقتصادی، نه‌تن‌ها متکی بر ایدئولوژی اسلامی است، بلکه اصولاً خود پایه‌ای از پایه‌های ایدئولوژی اسلامی است، و تأثیر شگرفی بر موازین و ارکان دیگر دارد. عدالت در همه زمینه‌های زندگی فردی و اجتماعی انسان جاری است و در قرآن کریم چنان می‌نماید که جهان هستی برآیندی از عدالت است.

جهان از دیدگاه اسلام بر اساس حق و عدالت استوار است و انسانی که رسالت خود را درک می‌کند و خواهان کامیابی است، باید در روش خویش عادل و همسو با جهان باشد و گرنه موجود بیگانه و رانده‌شده و شکست‌خورده‌ای خواهد بود که به زودی در هاله‌ای از فراموشی گم خواهد شد. این اصل، به يك سان، بر فرد و جامعه صدق می‌کند. شاید از بارزترین آیاتی که بر این پیوند تأکید می‌کند آیات ۹-۷ سوره الرحمن باشد:

و السَّمَاءُ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ (الرحمن / ۹-۷)

آسمان را برافراخت و ترازو را برنهاد تا در ترازو تجاوز نکنید. وزن کردن را به عدالت رعایت کنید و کم‌فروشی نکنید.

ب. عدالت یکی از جلوه‌های بارز ثبوتی خداوند است و همین عدالت آفریدگار جهان است که بر سراسر جهان هستی باز می‌تابد. زیرا علت، در نظر فلاسفه، حد تام برای معلول است، و معلول حد ناقص علت است. افزون بر این، قرآن کریم آفریدگار جهان را «قائماً بالقسط» می‌داند. مقصود از این تعریف این است که عدالت جهان خود مفهوم قیام خداوند به عدالت است. این مطلبی است که هیچ نیازی به نتیجه‌گیری فلسفی یا تحلیل علمی ندارد. این شیوه، در حقیقت، همان روش معروف و مورد استناد قرآن کریم است. زیرا که قرآن نتایج تربیتی حقایق و وقایع را مطرح می‌سازد، بی‌آنکه برای تعیین حقایق و تجزیه و تحلیل ابعاد آن‌ها درنگ کند یا وارد تاریخ وقایع و جزئیات آن‌ها شود.

فردی که در اصول و مبانی دینی و اعتقادی پژوهش می‌کند، به روشنی

درمی‌یابد که پیش‌درآمد اصلی برای اثبات ضرورت برانگیختن پیامبران و استدلال بر ثبوت معاد و روز حساب، عدالت خداوند است. این خود از مسائلی است که اهمیت عدالت را در اصول و باورهای اسلامی روشن می‌سازد و میزان تأثیر این اصل را بر پایه رهنمود تربیتی در رفتار انسان به طور اعم و در عدالت اقتصادی و اجتماعی فرد و جامعه به طور اخص بازمی‌تاباند.

۲. اسلام ایمان بدون عدالت را به رسمیت نمی‌شناسد

معیاری که قرآن برای مساوات و برابری انسان با کارکردش در نظر می‌گیرد چنین است:

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ أَلَا مَا سَعَىٰ وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ (نجم ۳۹ و ۴۰)

و اینکه برای مردم پاداشی جز آنچه خود کرده‌اند نیست؟ و زودا که کوشش او در نظر آید.

این معیار در موضوع عدالت نیز ثابت است. زیرا وجود عدالت در اسلام مساوی است با وجود ایمان و ایمان بدون کوشش انسان در راه تحقق عدالت اصالتی ندارد.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْدينِ فَذَلِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ (ماعون، ۳)

روزهای زندگی، دوران جوانی، تندرستی، پیروزی و کامیابی. در بازار، کارگاه، کارخانه، کشتزار، و اداره و سایر عرصه‌های زندگی بر روی ایمان بسته شده و خارج از دایره نفوذ آن است.

کسانی که این بینش را پدید آوردند و داعیه‌دار آن بودند، برای خود محیطی می‌خواستند که ایمان و خداوند ناظر بر اعمال آنان نباشند تا به آزمندی‌ها و هوای نفس خود می‌دان دهند و انسان‌ها را بی‌رحمانه استثمار کنند و ابزارهای کسب درآمد و منافع را بدون قید و شرط و بدون پابندی به شیوه‌های شرافتمندانه در اختیار بگیرند. آری، کسانی که چنین خواسته‌هایی داشتند و پیام‌آور فرهنگ و تمدن مادی غرب بودند، همان‌هایی بودند که احساسات دینی و مسئولیت‌های معنوی و روحی را مانعی بر سر راهشان می‌دانستند و پس از پایان دادن به دوران فلسفه اسکولاستیک و قلع و قمع طرفداران آن به ریشه‌کن ساختن احساسات دینی و خاموش کردن بارقه‌های آن در سراسر دنیا ادامه دادند. سپس عرصه را برای نظام سرمایه‌داری که همان رسالت نامقدس آنان بود باز کردند، تا کارش را با آزادی مطلق و بدون هیچ گونه التزام و تقیدی آغاز کند و به صنعت و تولید و افزایش تولید بپردازد، و سپس برای مصرف و فروش

کالا‌های تولیدی خود به جستجوی بازار رود و استعمار و استثمار کند و جنگ‌ها به راه اندازد و تمدن‌ها و فرهنگ‌ها را پایمال کند و فقر و نیازمندی‌های ساختگی را برای ملت‌ها به ارمغان آورد.

اینان سرانجام، آن طور که پیدا است، گور تمدن خود را خواهند کُند و تمدن بشری را نابود خواهند کرد. زیرا با عمل خود، در بستر زندگی، خلا آرمان‌شناختی و فقری در حد کفر و تضادهایی را سبب شده‌اند که هم برای ملت‌های جهان و هم برای خود دشواری‌های پیچیده و دردهای علاج‌ناپذیری به وجود آورده است.

سکوت علما

با این توضیحات، به بررسی وضع ملت‌های اسلامی باز می‌گردیم. انسان از عدالت دور و عبادات از مضمون خود تهی شده و به صورت مراسم خشک بی‌روح درآمدہ است.

قرآن کریم بارها تأکید کرده است که عبادت‌ها و به‌ویژه نماز، هرگاه همراه زکات یا برآورده کردن نیاز نیازمندان و همسایگان و نزدیکان نباشد، پس وای بر چنین نمازگزار.

قَوْلُ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلاَتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاوُونَ وَ يَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

پس وای بر آن نمازگزارانی که در نماز خود سهل‌انگارند؛ آنان که ریا می‌کنند و از دادن زکات دریغ می‌ورزند.

شاید برخی از علمای دین، با دعوت و تبلیغ یا با سکو‌تشان، در نشانیدن عبادت به جای عدالت، سهمیم بوده باشند. این در حالی است که اسلام اعلام داشته است:

افضل العبادات کلمه حق عند سلطان جائز

برترین عبادت سخن حق گفتن در برابر سلطان ستمکار است.

عدل ساعه خیر من عبادہ سبعین سنه

روشن است که نتیجه این روش تربیتی بی‌نهایت خطرناک بوده است، چرا که نبود عدالت در جوامع از مرحله خطرهای سیاسی و اجتماعی گذشته و به مرحله انحرافات ایدئولوژیک رسیده و موجب ناامیدی بزرگی از

حق دیگران و به‌ویژه نزدیکان بینجامد، چنان‌که غالباً هنگام زیاده‌روی انسان در بذل و بخشش پیش می‌آید. شاید از همین رو است که آیه کریمه می‌فرماید:

و لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا
اسراء / (۲۹)

دست خویش را نه از روی خست به گردن ببند و نه به سخاوت یکباره بگشای که در هر دو حال ملامت‌زده و حسرت‌خورده بنشینی.

ج. ابعاد عدالت اقتصادی و اجتماعی و راه‌های تحقق آن. در برشمردن ابعاد انسانی عدالت اقتصادی و اجتماعی اسلام، ناگزیر، به جنبه فنی که در خلال کنفرانس مورد توجه قرار گرفته است، به طور گذرا و برای تکمیل صورت بحث، اشاره می‌کنیم. تحریم ربا روشن می‌دارد که شریعت اسلام نمی‌خواهد سرمایه به‌تنهایی و بدون کار و تلاش افزایش یابد و برای صاحبش سودآور گردد. همین طور آنچه در فقه اسلامی درباره درست نبودن تعیین سهمی برای ابزار تولید آمده دلیل بر این است که ابزار تولید نمی‌تواند در سود و منافع شریک باشد، اما کار، که در اسلام برترین عنصر از عناصر تولید است، حق دارد که، فارغ از زیان، در منافع سهم گردد. همچنین کارگر حق دارد مبلغ معینی، بدون ریسک‌پذیری، دریافت دارد. این همان چیزی است که اجرت و مزد کار می‌نامیم.

تفکر و تأمل بیشتر در احادیث زکات و آنچه از امامان اهل بیت و از فقهای پیشین وارد شده است، بعد تازه‌ای به مسئله عدالت می‌دهد و به روشنی و صراحت به بیمه افراد فقیر، که عبارت از تأمین نیازهای افراد تهیدست از طرف جامعه باشد، توصیه می‌کند. البته نه آن فقر و تهیدستی که نتیجه سستی و بطالت باشد. همچنین اسلام بیمه‌های دوران کهن سالی و کودکی و بیماری را، به‌ویژه حوادث و پیش‌آمدهای ناگهانی همچون هزینه‌های مسافران نیازمند و وامداران و دربندمندگان و هرآنچه در راه خدا باشد، لازم می‌داند. مسئولیت بیمه‌های اجتماعی، در حقیقت، همان مسئولیت کامل جامعه اسلامی در شرایط دشوار اجتماعی است، خواه این شرایط دائم باشد مانند پیری و ناتوانی ناشی از نقص عضو، یا بر اثر حوادث ناگهانی و در کوتاه‌مدت به وجود آید.

کسبست عدالت اقتصادی و اجتماعی از ایدئولوژی اسلامی

جدائی اصل عدالت اقتصادی و اجتماعی از ایدئولوژی اسلامی، که خود گوشه‌ای از فاجعه جدایی عقیده از شریعت است و گروه‌های مختلف مسلمان آن را پذیرفته‌اند، باعث گردیده است که عدالت ژرفا و کلیت و

استمرار خود را از دست بدهد، به طوری که امروز عدالت اقتصادی و اجتماعی به صورت یک مسئله اجتماعی محض و موضوع سیاسی خالص درآمده است.

این نوع عقیده اسلامی، مجرد از نتایج اجتماعی، نزد اغلب مسلمانان به صورت احساسی ذهنی درآمده که نه بر زندگی آنان اثر می‌گذارد نه بر رفتار فردی و اجتماعی آنان. این گونه عقاید، در تصور برخی مسلمان‌ها، با عبادت قرین شده است، آن هم برای تنظیم پیوند انسان و آفریدگارش، و برای آسان نمودن سفر مرگ، و دیگر هیچ.

به درستی نمی‌دانیم که این توطئه از چه هنگام پدید آمده است. آیا توسط دوست جاهل و نادان انجام گرفته یا دشمن در کمین؟ ولی مسلم است که این شیوه تفکر پیش از ارتباط و تأثیر متقابل فکری می‌ان اروپا و دنیای اسلام بوده است و پس از این ارتباط به شکل روشن و مؤثری بروز نموده، به طوری که به صورت مکتبی حاکم بر امت مسلمان درآمده است.

خداوند تنها در معابد و مساجد و در روزهای جمعه و ماه رمضان پرستش می‌شود. و ایمان تنها در شرایط سخت و دشوار انسان بازتاب دارد؛ در هنگام مرض، ناکامی، شکست، فقر و پیری؛ نه در

آیا آن را که روز جزا را دروغ می‌شمرد دیده‌ای؟ او همان کسی است که یتیم را به اهانت می‌راند. و مردم را به طعام دادن به بینوا و نمی‌دارد.

حدیث شریف نبوی به گونه دیگری از این اصل سخن می‌گوید: کسی که شب با شکم سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد به پروردگار و روز بازپسین ایمان نیاورده است.

صدها دستور اسلامی، نشان می‌دهد که عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی نه‌تنها دو حکم فرعی و دو واجب عادی و معمولی نیستند، بلکه بر پایه عقیده و ایمان استوارند و از آن‌ها جداشدنی نیستند. اسلام ایمانی را که نتیجه آن عدالت در زندگی فرد و جامعه نباشد، برنمی‌تابد. از این رو عدالت اقتصادی و اجتماعی در اسلام ریشه‌دار، دائمی و فراگیر است، زیرا با طبیعت و هستی مؤمن درآمیخته و از درون فرد و جامعه مسلمان سرچشمه گرفته است.

۳. مسئولیت‌های فردی و اجتماعی در تحقق عدالت اجتماعی

اسلام، در پی‌ریزی اصل عدالت، برای آن خطوط روشنی ترسیم می‌کند که مانع ابهام و آشفتگی می‌گردد، و شرایطی فراهم می‌کند

که تحول و تکامل عدالت را تا مرز بی‌نهایت مقدور می‌سازد و این ویژگی اهمیت خاصی دارد.

الف. مسئولیت‌های فردی. ارتباط متقابل می‌ان مسئولیت فردی و اجتماعی برای تحقق بخشیدن به عدالت، یکی از ابعاد ترسیم‌شده عدالت است. بر اساس اصل:

کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتہ

و بر اساس وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، هر فرد جامعه مسئول سلامت جامعه است. از این رو آنچه از اموال و امکانات و تجارب و حتی تندرستی و نیروی جسمی و هرچه دارد، صرفاً نتیجه کوشش شخص او نیست، بلکه در پدید آوردن آن‌ها دیگران، از معاصران و گذشتگان، نیز سهیم‌اند. فرد مانند درخت میوه است. درخت با شاخه‌ها و برگ‌ها و ریشه‌هایش در به‌وجود آوردن میوه سهیم بوده و در این راه از آب و هوا و خورشید و زمین و دیگر عوامل طبیعی و کوشش‌های مختلف بشری بهره گرفته است. به سخن دیگر، فرد امانت‌دار اموال خویش است و در پیشگاه جامعه و در برابر نسل‌های پیشین و آینده مسئول آن امانت است. بر اساس این تحلیل، فرد حق ندارد دارایی خود را نابود یا احتکار کند یا نسبت به آن بی‌توجهی و اهمال روا دارد. همچنین نباید در حق خویش بدی کند و آسیبی به خود برساند، تا چه رسد به خودکشی. این گونه اقدامات در حقیقت ستم و تجاوز به حقوق جامعه است. این مطالب، در حقیقت، معنی و مفهوم کلمه استخلاف را، که در قرآن کریم آمده است، روشن می‌سازد:

و أَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ

و از آن مال که به وراثت به شما رسانده است انفاق کنید.

ب. مسئولیت‌های جامعه. از طرف دیگر، جامعه نیز نسبت به افراد مسئولیتی کاملاً برابر دارد. احادیث و فتاوا نشان می‌دهد که کلیه ساکنان یک دهکده نسبت به فردی که از گرسنگی می‌میرد، مسئولیت دارند. در حقیقت، این مسئولیت هر نوع مرگ و هر گونه زیان و آسیبی را نیز در بر می‌گیرد. در روایت آمده است که «اهل دهکده از ذمه خداوند و

پیامبرش دور و بیگانه‌اند»، زیرا آنان در امانت پروردگار خیانت کرده و عهد و پیمان خداوند را شکسته‌اند، چون مسئولیت‌هایشان را در برابر فرد مزبور انجام نداده‌اند.

آنچه از مسئولیت‌های جامعه روستایی در برابر فرد گفته می‌شود عیناً در مورد جامعه شهری و مناطق و سرزمین‌هایی که مردم در آن‌ها تشکلی یکپارچه دارند، صدق می‌کند.

حضرت علی (ع) با تعجب و استنکار از خود می‌پرسد: «آیا من سیر بخوابم و پیرامونم شکم‌هایی باشد از گرسنگی به پشت دوخته و جگرهایی سوخته؟»

ج. مسئولیت‌های متقابل. افراد جامعه نیز نسبت به یکدیگر مسئولیت‌های متقابلی دارند. از دیدگاه قرآن و روایات، افراد جامعه، همه، پیکره واحدی را تشکیل می‌دهند. «چو عضوی به درد آورد روزگار، دگر عضوها را نماند قرار» دارایی‌ها و جان‌ها و پیمان‌های مردم از آن تمامی افراد جامعه شمرده شده است. این بُعد دیگری است که پرتو تازه‌ای بر جامعه و تکوین آن می‌اندازد و از آیات کریمه ذیل برمی‌آید:

لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ (بقره / ۱۸۸)

اموال یکدیگر را به ناشایست مخورید.

دقت کنید: مال هر فرد را برای دیگری مال خود او شمرده است!

و لَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضاً (احزاب / ۱۲)

و از یکدیگر غیبت مکنید.

هر فرد برخی یعنی قطعه‌ای از دیگری شناخته شده است.

بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضِ آلِ عَمْرَانَ (۱۹۵)

همه از یکدیگرید.

۴. شیوه‌های تحقق عدالت اقتصادی و اجتماعی

الف. انفاق و بخشش. در جای جای قرآن به جامعه‌ای که عدالت بر آن حاکم است، و به نتایج این عدالت و همچنین خطرهایی که در صورت تحقق نیافتن آن متوجه جامعه خواهد شد، اشاره می‌شود. زیرا عدالت به همه این امکان را می‌دهد که با کوشش‌های سازنده و کمک‌های خود همگان را بهره‌مند سازند و پیامدهای شایسته عدالت به همه بازگردد، در صورتی که نبود عدالت در جامعه به طور قطع موجب محرومیت بخش بزرگی از جامعه از برخی حقوقش یا از همه آن می‌شود، همچنین باعث تباه شدن برخی یا همه استعدادها و کاهش کارایی جامعه می‌گردد. این خود محرومیت عمومی افراد جامعه و بلکه کل جامعه را سبب می‌شود، بگذریم از بیماری‌ها و خطرهایی که دامنگیر نه‌تن‌ها گروه‌های محروم بلکه همه می‌شود، مانند پیامدهای سوء تغذیه و فراهم نبودن شرایط زندگی سالم و همچنین خطرهای دیگری که درون محرومان را می‌خورد و ادامه آن‌ها به بحران‌ها و انفجارها و نابسامانی‌هایی در جوامع می‌انجامد. حال به برخی از آیات قرآن کریم می‌پردازیم:

هَا أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ إِيْمَانِكُمْ مَنْ يَبْخُلْ وَمَنْ

يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَخِلْ عَن نَفْسِهِ وَالْغَنِيُّ وَ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ وَ إِنْ تَتَوَلَّوْا يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُم (محمد / ۳۸)

آگاه باشید که شما را دعوت می‌کند تا در راه خدا انفاق کنید. بعضی از شما بخل می‌ورزند؛ و هر کس که بخل ورزد در حق خود بخل ورزیده است. زیرا خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید. و اگر روی برتابید به جای شما مردمی دیگر آرد که هرگز همسان شما نباشند.

وَ مَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (بقره / ۲۷۲)
و هرچه انفاق کنید پاداش آن به شما می‌رسد و بر شما ستم نخواهد رفت.

وَ أَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ إِي وَ لَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ (بقره / ۱۹۵)
در راه خدا انفاق کنید و خویشان را به دست خویش به هلاکت می‌ندازید.

ب. انفاق در مفهوم قرآنی. هر که در آیات کریمه انفاق بیندیشد، به‌خوبی درمی‌یابد که انفاق، به مفهوم قرآنی آن، مشارکت دادن کامل دیگران است در آنچه خداوند از مال و فکر و کوشش و مبارزه به انسان بخشیده است. تفکر و درنگ در این آیات روشن می‌سازد که بازگشت نتیجه خیر به انفاق‌کننده و دوری او از ظلم و هلاکت تنها منحصر به جزای

الهی که در قیامت عاید انسان می‌شود نیست، بلکه نتایج اجتماعی که از فعالیت‌های انسان برمی‌آید نیز جزای عمل به حساب می‌آید. این پاداش که پیش از پاداش اخروی است، در قرآن به «جزای ادنی» و پاداش آخرت به «جزای اوفی» یاد شده است. کوتاه سخن اینکه فرد یا گروهی که برای ایجاد فرصت‌های مناسب زندگی برای دیگران کوشش می‌کند، در حقیقت، خیرخواهی و نیک‌فرجامی را برای خویش به ارمغان می‌آورد و خطر ستم و هلاکت و نیستی را از خود دور می‌سازد. امروزه پیامدهای مثبت و نتایج اجتماعی چنین رویکردی کاملاً روشن و آشکار است.

آیه اخیر در سیاق آیات جهاد آمده است. پس می‌ان انفاق جان که به شهادت می‌انجامد و به هلاکت نینداختن نفس که از سرکشی و طغیان دشمن یا از ظلم خودکامگان سرچشمه می‌گیرد، هماهنگی کامل وجود دارد و بدین ترتیب شبهه موجود در مورد معنای آیه کریمه زدوده می‌شود.

ویژگی دیگر عدالت اقتصادی و اجتماعی در مکتب اسلام این است که عدالت درجات متفاوتی دارد و تحقق آن در جوامع محدود به حد خاصی نیست، بلکه مانند بسیاری از هدف‌های دینی بیکران و نامتناهی است. این بدان جهت است که عدالت وسیله‌ای برای امکان بخشیدن به تکامل انسان است، نه آنکه خود هدفی باشد که کوشش عدالت‌خواهی در نخستین مرحله آن توقف کند.

نتیجه چنین بینشی آن است که عدالت با قدری احساس فردی آغاز می‌شود و سپس رشد می‌کند و از يك سو به کوشش روزافزون فرد تبدیل می‌گردد و از سوی دیگر گروه را که دولت ملی مظهر آن است در بر می‌گیرد. آنگاه عدالت با دو بُعد گسترش می‌یابد؛ از يك سو رفته‌رفته همه افراد جامعه را در بر می‌گیرد و از سوی دیگر عمق پیدا می‌کند. زیرا، همان طوری که حس عدالت‌خواهی رفته‌رفته به صورت کوشش پی‌گیر و مستمر درمی‌آید، تحقق بخشیدن به حداقل عدالت، مراتب دیگری از عدالت را فراهم می‌کند. این جریان تا آنجا ادامه می‌یابد که به برابری بین افراد جامعه می‌رسد.

سپس مرحله تکافل و همبستگی و فداکاری فرا می‌رسد، آنگاه از این مراحل هم می‌گذرد و به صورت ایشار و از خودگذشتگی جلوه می‌کند.

البته باید توجه داشت که سیر از خودگذشتگی نباید به فراموش کردن